

تأملی در مهلت پرداخت دیه در قتل شبه عمد^۱

* محمد محسنی دهکلانی

** علی محمدیان

*** الهه قلی‌زاده

چکیده

قانون‌گذار قانون جدید مجازات اسلامی در فصل پنجم از مواد عمومی دیات، ذیل بند «ب» ماده- ۴۸۸، مهلت پرداخت دیه در قتل شبه عمد را دو سال مقرر نموده است؛ به گونه‌ای که جانی موظف است در هر سال نیمی از دیه‌ی مقدر را تأدیه نماید. این نظریه مسبوق به موافقت مشهور فقهای امامیه می‌باشد. عمده دلیل مشهور بعد از اجماع، وجود «مقتضی تفاوت» است. ایشان معتقدند از آن‌جا که قتل شبه عمد خفیف‌تر از قتل عمدی و نسبت به قتل خطایی شدیدتر است و با توجه به این‌که در قتل عمد موجب دیه و قتل خطایی، قاتل باید به ترتیب در ظرف یک سال و سه سال نسبت به پرداخت دیه اقدام نماید؛ لذا در قتل شبه عمد طبیعتاً باید این مدت دو سال باشد. نگارنده با مناقشه در اجماع ادعایی و رد دلیل اعتباری مذکور و به استناد اطلاعات ادله‌ی مهلت دیه و نیز تمسک به اصل عملی در مقام، مهلت و مدت تأدیه‌ی دیه را سه سال می‌داند.

کلیدواژه‌ها: دیه، قتل شبه عمد، مهلت پرداخت دیه، دو سال، سه سال.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله مطالعات علوم انسانی

۱- تاریخ وصول: ۹۲/۱۱/۷ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱/۲۸

* استادیار دانشکده الهیات دانشگاه مازندران mmdehkalany@umz.ac.ir

** دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

*** کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مازندران

۱- طرح بحث

خداوند در قرآن کریم برای اشخاصی که به اشتباه توسط دیگری کشته شده‌اند و یا در قتل عمدی اولیای مقتول رضایت به دیه داده‌اند، خون بهاء تعیین نموده است: «وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يُقْتَلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً، وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً، فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ، وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ؛ إِلَّا أَنْ يُصَدَّقُوا...» (نساء، ۹۲).

هیچ فرد با ایمانی مجاز نیست که مؤمنی را به قتل برساند؛ مگر اینکه این کار از روی خطا و اشتباه از او سرزند؛ (و در عین حال) کسی که مؤمنی را از روی خطا به قتل رساند، باید یک برده‌ی مؤمن آزاد کند، و خون‌بهایی به کسان او بپردازد؛ مگر این که آن‌ها خون‌بها را ببخشند. آیه‌ی مذکور به مهلت پرداخت دیه اشاره‌ای نکرده است؛ لیکن فقهای امامیه با در نظر گرفتن سایر دلائلی که در مسأله وجود دارد و با تفکیک میان انواع قتل^۱، برای پرداخت هر یک از آن‌ها مدت زمان خاصی را معین نموده‌اند؛ با این تفصیل که دیه-ی قتل عمد در ظرف یک سال، شبه عمد در ظرف دو سال، و خطاء در ظرف سه سال باید پرداخت گردد. قانون مجازات جدید نیز، به مانند قانون سابق، در بحث مذکور از نظر فقهای امامیه پیروی کرده و در ماده-ی ۴۸۸ چنین مقرر داشته است: «مهلت پرداخت دیه، از زمان وقوع جنایت، به ترتیب زیر است؛ مگر این-که به نحو دیگری تراضی شده باشد: الف) در عمد موجب دیه، ظرف یک سال قمری؛ ب) در شبه عمد، ظرف دو سال قمری؛ ج) در خطای محض، ظرف سه سال قمری». از سه حالت مذکور، مدت زمان مقرر برای پرداخت دیه‌ی قتل عمد و خطای محض، بین فقهای امامیه اجماعی است و قول مخالفی در مسأله وجود ندارد. لیکن مهلت تعیین شده برای قتل شبه عمد در قانون مذکور، مطابق نظر مشهور فقهاء است؛ و در مسأله اقوال دیگری نیز وجود دارد که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

۲- کلمات فقهاء

برخلاف نقل رایج در بین فقهاء مبنی بر انحصار اقوال در سه نظریه (خویی، ۱۴۲۲، ۲/۲۴۰؛ لنکرانی،

۱- قتل به لحاظ داشتن و نداشتن قصد آسیب‌رسانی به سه نوع تقسیم می‌گردد: ۱- قتل عمد: قتلی است که فاعل هم قصد فعل دارد؛ یعنی عمل ارادی انجام می‌دهد، و هم قصد نتیجه؛ یعنی می‌خواهد از عمل ارادی خود نتیجه‌ی قتل بگیرد؛ مانند تیراندازی به سمت شخص معینی به قصد قتل وی. ۲- قتل شبه عمد: قتلی است که فاعل قصد فعل دارد؛ اما قصد نتیجه ندارد، و عمل هم نوعاً کشنده نیست؛ مانند موردی که آموزگار طفلی را با آلتی که نوعاً کشنده نیست کتک می‌زند، و طفل می‌میرد. ۳- قتل خطای محض: آن است که فاعل نه قصد ایراد فعل به مجنی‌علیه، و نه قصد نتیجه را داشته است؛ مانند شخصی که به سوی پرندای تیر می‌اندازد؛ ولی آن تیر به انسانی اصابت می‌کند، و وی کشته می‌شود (ن.ک: مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷، ۱/۱۰۳؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ۳/۱۲۱؛ منتظری، ۱۴۱۳، ۵۶۳).

- ۱۴۱۸، ۳۱) با تتبع در کتب فقهی، مواضع فقهاء ذیل شش رویکرد قابل بازشناسی است.
- ۱- برخی از فقهای متقدم اصولاً متعرض مسأله نشده و به سکوت از کنار آن گذشته‌اند.
 - ۲- بعضی به رغم تعرض به مسأله و ذکر اقوال موجود، از ابراز نظر استتکاف ورزیده و توقف نموده‌اند.
 - ۳- قول به لزوم پرداخت دیه‌ی قتل شبه عمد در ظرف یک سال.
 - ۴- قول به لزوم پرداخت دیه در ظرف دو سال.
 - ۵- قول به تفصیل میان جانی موسر(متمکن) و معسر(غیر متمکن). با این توضیح که در صورت تمکن جانی، دیه مذکور در ظرف یک سال و در صورت عدم تمکن در ظرف دوسال پرداخت شود.
 - ۶- قول به لزوم پرداخت دیه در ظرف سه سال.
- در این نوشتار ابتدا مواضع مطروحه، به تفصیل مورد معرفی و شناسایی واقع شده، و سپس به ارزیابی و نقد آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۲-۱- عدم تعرض به مسأله

از میان متقدمین فقهای امامیه مرحوم صدوق اصولاً متعرض مسأله نشده و در مانحن فیه نظری ابراز نداشته‌اند. ایشان در کتاب المقنع در این زمینه چنین می‌نگارد: «باید دانست دیه قتل خطاء در سه سال، و دیه‌ی قتل عمد در یک سال اخذ می‌گردد» (۵۳۶). همچنین وی در کتاب دیگر فتوایی خود چنین می‌نویسد: «دیه‌ی قتل خطا در سه سال و از عاقله گرفته می‌شود، و دیه‌ی قتل عمد از مال قاتل و در یک سال اخذ می‌گردد» (صدوق قمی، ۱۴۱۸، ۳۰۱).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در عبارات فوق سخنی از قتل شبه عمد به میان نیامده است. به نظر می‌رسد وجه سکوت صدوق می‌تواند یکی از این چند امر زیر باشد: یا از آن‌جا که فی‌الجمله به قتل شبه عمد نیز عبارت خطاء اطلاق می‌شود (خطای شبیه به عمد)، ایشان قتل شبه عمد را مندرج در عبارت خطاء دانسته، لذا به مانند خطای محض، قائل به وجوب پرداخت آن در ظرف سه سال گردیده است؛ یا آنکه بر عکس از آنجا که قاتل شبه عمد فی‌الجمله عامد است، قتل شبه عمد در این حکم ملحق به عمد شده است. در هر دو حالت فوق، مختار احتمالی مرحوم صدوق رأیی غیر مشهور خواهد بود. احتمال سوم آن‌که از آن‌جا که موضوع نصوص وارده در مورد مهلت دیه مربوط به غیر قتل شبه عمد می‌باشد، مرحوم صدوق

به عمد در کتب فتوایی-روایی خویش متعرض فرض غیر منصوص نگشته است. به هر حال از آن‌جا که هر یک از موارد فوق محتمل است، لذا با قاطعیت نمی‌توان هیچ یک از اقوال را به صدوق نسبت داد.

۲-۲- سکوت و توقف در مسأله

تعداد قابل توجهی از فقهاء به رغم تعرض به مسأله و بیان اقوال موجود و نیز انتساب هر قول به قائلین آن، خود از ابراز نظر خودداری نموده‌اند.

عبارت شیخ طوسی در نهاییه مبین نوعی تردید در این باره است. گویا وی روایتی در موضوع مورد بحث نیافته، لذا با تعبیر «قال بعض اصحابنا» مسأله را این‌چنین مطرح می‌کند: «در مورد مدت پرداخت دیه‌ی قتل شبه عمد برخی از فقهای امامیه گفته‌اند که در طی دو سال پرداخت می‌شود» (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ۷۳۸).

ابن براج نیز در مهذب کلامش شبیه شیخ است و مسأله را به برخی از اصحاب نسبت می‌دهد: «برخی از فقهای امامیه گفته‌اند که دیه‌ی شبه عمد در طی دو سال پرداخت می‌شود» (ابن براج، ۱۴۰۶، ۴۵۸/۲).

البته به نظر می‌رسد منظور از «بعض اصحابنا» در کلام شیخ و ابن براج، کسی جز شیخ مفید نمی‌باشد.

علامه در مختلف پس از نقل فتوای فوق از شیخ، درباره‌ی آن چنین می‌نگارد: «عبارت شیخ در نهاییه اشعار به تردید وی در مسأله دارد و ابن براج نیز از شیخ تبعیت نموده است» (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۲۹۳/۹). محقق حلی در شرایع (۲۲۹/۴)؛ و مختصر النافع (۳۰۲/۲)؛ با عبارت «قال المفید»؛ و در نکت النهاییه (۳۷۰/۳)؛ با عبارت «قال بعض اصحابنا»؛ صرفاً به بیان دیدگاه شیخ مفید در مسأله بسنده نموده و نظر خاصی از خود ابراز نداشته است؛ و فاضل مقداد در التتقیح الرائع در شرح عبارت وی در شرایع چنین نگاشته است: «محقق مهلت پرداخت دیه‌ی شبه عمد را به مفید نسبت داده؛ زیرا روایتی در مسأله نیافته است» (۴۶۴/۴).

شهید ثانی در روضه، درباره‌ی مستند مسأله‌ی مزبور چنین می‌نگارد: «لزوم پرداخت دیه‌ی شبه عمد در طی دو سال را مفید(ره) ذکر نموده و دیگران نیز از وی تبعیت کرده‌اند؛ لیکن برای مسأله‌ی مزبور

مستندی وجود ندارد، و در صحیحه ابو ولاد نیز فقط حکم قتل عمد و قتل خطا بیان گردیده است» (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۱۰، ۱۷۷).

همچنین وی در مسالک در شرح عبارت محقق در مسأله‌ی مذکور می‌نویسد: «علت این که محقق قول به تأدیه‌ی دیه در ظرف دوسال را به مفید نسبت داده است، عدم وجود دلیلی شایسته بر این امر می‌باشد و در روایات فقط مدت پرداخت دیه‌ی عمد و خطا بیان گردیده است؛ گویا ایشان پرداخت دیه در دو سال را مناسب‌تر دیده است؛ زیرا قتل مزبور نسبت به قتل عمد خفیف‌تر و نسبت به خطا شدیدتر است، پس آن را بین این دو نوع قتل قرار داده است» (همان، ۳۱۹/۱۵).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در عبارات فوق فتوای صریحی از شهید ثانی به چشم نمی‌خورد، و ایشان صرفاً به شرح اقوال مصنفین و این که مسأله فاقد دلیل صالحی از روایات است، بسنده نموده‌اند. فیض کاشانی در مفاتیح الشرائع در مسأله‌ی مذکور نظر خود را این‌گونه اظهار می‌دارد: «در مورد مهلت پرداخت دیه‌ی شبه عمد نصی وجود ندارد، و مفید مهلت آن را دو سال قرار داده است» (کاشانی، بی-تا، ۱۴۳/۲).

مجلسی دوم در ملاذ الأخیار در شرح صحیحه‌ی ابو ولاد می‌نویسد: «در این که دیه‌ی قتل عمد در یک سال و دیه‌ی خطا در سه سال گرفته می‌شود، قول مخالفی در بین فقهای امامیه وجود ندارد؛ اما در مورد قتل شبه عمد، مفید(ره) گفته است که در طی دوسال گرفته می‌شود و فقهای دیگر نیز از وی تبعیت نموده‌اند؛ ولی از آن جا که برای این قول مستندی وجود ندارد؛ لذا گروهی از متأخرین در حکم مسأله توقف نموده‌اند و از عبارات شیخ در نهاییه نیز توقف در مسأله استنباط می‌شود» (مجلسی دوم، ۱۴۰۶، ۳۲۸/۱۶؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۴، ۳۰/۲۴). فاضل هندی نیز در کشف اللثام صرفاً به بیان اقوال موجود در مسأله بسنده نموده، و نظر خاصی ابراز نداشته است (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۳۱۳/۱۱). میرزا علی مشکینی از فقهای معاصر نیز فقط به بیان فتوای مفید اکتفا نموده است: «دیه‌ی قتل عمد در یک سال، و دیه خطا در سه سال اخذ می‌شود، و در مورد شبه عمد، مفید(ره) فتوا به اخذ آن در دو سال داده است» (مشکینی، ۱۴۱۸، ۵۲۰).

۲-۳- لزوم پرداخت دیه در ظرف یک سال

شیخ طوسی در خلاف راجع به مسأله‌ی مذکور چنین می‌نگارد: «دیه‌ی قتل شبه عمد از اموال قاتل و در ظرف یک سال گرفته می‌شود، و شافعی (از فقهای اهل سنت) گفته است که مدت پرداخت دیه در شبه

عمد، مانند قتل خطایی است که در سه سال گرفته می‌شود، دلیل ما بر وجوب پرداخت در ظرف یک سال، اجماع فقهای امامیه، و روایات موجود است» (شیخ طوسی، ۲۲۱/۵).

جالب توجه این است که مختار وی مقبول هیچ یک از فقهای بعد وی واقع نگشته و این نظریه سابقه‌ای در فقیهان متقدم ندارد. حتی خود ایشان نیز در دیگر کتب خویش همچون «المبسوط» از این نظر عدول کرده و آن‌طور که در سطور قبل آمده در «النهاییه» وفق این نظریه فتوا نداده است. با این همه مرحوم شیخ مستند رأی خود را اجماع فقهاء دانسته است!

۲-۴- لزوم پرداخت دیه در ظرف دو سال

این نظریه مختار جمهور فقهای امامیه است. ظاهراً اولین کسی که قائل به وجوب پرداخت دیه در دو سال گردیده، و دیگران نیز به پیروی از وی این رأی را برگزیده‌اند، شیخ مفید می‌باشد. وی در مقنعه در این زمینه چنین می‌نگارد: «دیهی قتل خطای شبیه به عمد در مدت دو سال گرفته می‌شود، و در این نوع قتل قصاص وجود ندارد، و قصاص فقط در قتل عمد ثابت است» (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۷۳۵). ایشان در کتاب فوق صرفاً به بیان مدت پرداخت دیه اکتفا نموده، و هیچ دلیلی برای مستدل ساختن سخن خود اقامه نکرده است.

ابوالصلاح حلبی به پیروی از شیخ مفید در این زمینه می‌نویسد: «در قتل شبه عمد دیه در مدت دو سال از جانی اخذ می‌گردد» (حلبی، ۱۴۰۳، ۳۹۲).

شیخ طوسی بر خلاف دو کتاب دیگر خود در مبسوط با عبارت «عندنا» بر وجوب پرداخت دیه در ظرف دو سال ادعای اجماع می‌کند: «و خطأ شبیه العمد... عندنا تؤخذ فی سنتین من ماله خاصه» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ۱۱۵/۷).

ابن ادریس حلبی نیز در سرائر به مانند شیخ فتوا می‌دهد: «به اجماع فقهای امامیه دیه‌ی قتل شبه عمد در مدت دو سال، و فقط از مال جانی اخذ می‌گردد» (ابن ادریس، ۱۴۰۸، ۳۲۲/۳).

صاحب مراسم در این زمینه آورده است: «دیه‌ی قتل خطای محض در ظرف سه سال، و دیه‌ی قتل شبه عمد در ظرف دو سال اخذ می‌گردد» (سالار دیلمی، ۱۴۰۴، ۲۳۹).

امین الاسلام طبرسی در این زمینه چنین می‌نگارد: «دیه‌ی قتل شبه عمد در ظرف دو سال و از مال جانی اخذ می‌گردد» (طبرسی، ۱۴۱۰، ۳۳۵/۲).

ابن زهره در غنیه با قبول قول مشهور، بر این امر ادعای اجماع می‌کند: «دیهی قتل شبه عمد در ظرف دو سال اخذ می‌گردد، و در این امر قول مخالفی در بین فقهای امامیه وجود ندارد» (حلی، ۱۴۱۷، ۴۱۲).

علامه حلی در کتب مختلف خود، ارشاد الاذهان (۲/۲۳۳)؛ تلخیص المرام (۳۵۴)؛ قواعد الاحکام (۳/۶۶۷)؛ بر فتوای مشهور صحه گذاشته و در مختلف الشیعه در توجیه آن چنین می‌نگارد: «همان‌گونه که به علت تفاوت جنایت در قتل خطا و عمد، بین آنها در مدت زمان پرداخت دیه تفاوت وجود دارد، لازم است که بین آنها و بین قتل شبه عمد نیز در مدت مذکور تفاوت وجود داشته باشد، به علت وجود مقتضی، پس دیه‌ی قتل شبه عمد در دو سال اخذ می‌گردد؛ زیرا جنایت در قتل شبه عمد، از حالت عمد خفیف‌تر است؛ بنابراین مدت پرداخت دیه‌ی آن نیز باید با تخفیف بیشتری همراه باشد؛ و از قتل خطا شدیدتر است، بنابراین مدت آن نیز باید با شدت و سخت‌گیری بیشتری همراه باشد» (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۲۹۳/۹).

فخرالمحققین نیز در ایضاح الفوائد به مانند والد خویش فتوا می‌دهد: «دیه‌ی قتل شبه عمد در ظرف دو سال، و دیه‌ی قتل خطا در ظرف سه سال اخذ می‌گردد» (علامه حلی، ۱۳۸۷، ۶۸۰/۴). شهید اول در لمعه مطابق نظر مشهور چنین می‌نگارد: «دیه‌ی قتل شبه عمد در ظرف دو سال و از مال جانی اخذ می‌گردد» (علامه حلی، ۱۴۱۰، ۲۷۸).

صیمری در غایه المرام معتقد است: «مفید(ره) گفته است که دیه قتل شبه عمد در ظرف دو سال اخذ می‌گردد، در این صورت قتل شبه عمد خفیف‌تر از قتل عمد، از نظر سن حیوان(شتر)، و مدت زمان استیفاء می‌باشد... اقول: فتوای مفید قول مشهور در بین فقهای امامیه و مورد اعتماد است» (علامه حلی، ۱۴۲۰، ۴۱۹/۴).

صاحب ریاض با اعتراف به این که در مسأله‌ی مذکور نصی نیافته، در توجیه دیدگاه مشهور چنین می‌نگارد: «باید دانست که ما در بحث مذکور روایتی نیافتیم که بر مهلت پرداخت دیه در قتل شبه عمد دلالت نماید؛ مگر قول مفید که گفته است دیه‌ی آن در ظرف دو سال اخذ می‌گردد، و اکثر فقهاء؛ بلکه عموم آنان، از وی تبعیت نموده‌اند؛ همان‌گونه که از ظاهر سرائر و ظاهر مبسوط به دست می‌آید، و ابن زهره در غنیه بر این امر ادعای اجماع نموده است، و آن حجت مؤید است به آنچه که علامه در مختلف الشیعه بدان احتجاج نموده است؛ مبنی بر این که همان‌گونه که به علت تفاوت جنایت در قتل خطا و عمد، بین آنها در مدت زمان پرداخت دیه تفاوت وجود دارد، لازم است که بین آنها و بین قتل شبه عمد نیز در

مدت تفاوت وجود داشته باشد؛ به علت وجود مقتضی؛ به خاطر عمل به مناسبت» (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ۳۵۵/۱۶).

صاحب جواهر در بحث مذکور رأی خود را این‌گونه اظهار می‌دارد: «مفید(ره) گفته است که دیه‌ی قتل شبه عمد در ظرف دو سال اخذ می‌گردد. در این صورت قتل شبه عمد خفیف‌تر از قتل عمد از نظر سن حیوان و مدت زمان استیفاء می‌باشد؛ همچنان‌که از مبسوط و مراسم این قول نقل گردیده است و بسیاری از اصحاب بر این امر ادعای شهرت نموده‌اند؛ بلکه از ظاهر مبسوط به دست می‌آید که مسأله اجماعی است، و ابن زهره در غنیه وجود قول مخالف در مسأله را نفی نموده است... و اما این احتمال که مهلت پرداخت آن کمتر از یک سال باشد، قطعاً مردود است؛ اگرچه به ملاحظه‌ی شدیدتر بودن قتل عمد از آن باشد؛ همچنان‌که مهلت پرداخت آن قطعاً افزون بر سه سال نمی‌باشد؛ زیرا معلوم است که قتل خطا نسبت به آن سهل‌تر است، پس امر دایر بین یک تا سه سال است، و چه بسا آن‌چه که در خبر ابوبصیر وارد شده است،^۱ بر وجوب پرداخت دیه در ظرف سه سال شهادت دهد؛ چون ظاهر آن اختصاص غلظت دیه نسبت به میزان خطا، در مقدار سن شتران می‌باشد و نه غیر آن، و لیکن شهرت مذکور که معتضد و مستظهر به نفی قول مخالف در مسأله است و ظهور اجماع مزبور، مهلت آن را در دو سال متعین نموده است، و این سخن فاقد اشکال است» (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱/۴۳ و ۲۲).

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، ظاهراً صاحب جواهر تنها دلیل موجه در مسأله راه، شهرت آن و وجود اجماع ادعایی می‌داند؛ اگرچه بنظر می‌رسد مطابق نظر ایشان، در صورت نبود شهرت و اجماع مذکور، از روایت ابوبصیر که ظاهر در اختصاص غلظت دیه نسبت به میزان سن شتران است، و نه غیر آن، قول به وجوب پرداخت دیه در ظرف سه سال قوی‌تر به نظر می‌رسد.

امام خمینی در تحریرالوسیله فتوای مشهور را موافق با احتیاط دانسته و در این زمینه چنین می‌نگارد:

«احوط برای جانی آن است که دیه‌ی قتل شبه عمد را از دو سال تأخیر نیندازد، و احوط برای ولی آن است که به او تا دو سال مهلت بدهد، و بعید نیست که گفته شود دیه‌ی مذکور در دو سال باید ادا شود» (خمینی، بی‌تا، ۵۵۷/۲).

۱- ابوبصیر از امام صادق(ع) روایت کرده است که: «دیه الخطا إذا لم یرد الرجل القتل، مائه من الإبل أو عشرة آلاف من الورد أو ألف من الشاه؛ و قال دیه المغلظه أتی تشبه العمد و لیست بعمد أفضل من دیه الخطأ بأسنان الإبل...» (کلینی، الکافی، ۲۸۱/۷؛ حرعاملی، وسائل- الشیعه، ۲۰۰/۲۹). دیه‌ی قتل خطا اگر شخص قصد قتل نداشته باشد، صد شتر، یا ده هزار درهم، یا هزار گوسفند است؛ و دیه تغلیظ شده‌ای که شبه عمد است و عمد نمی‌باشد، برتر از دیه‌ی خطا با توجه به سن شترهاست.

سبزواری در مهذب الاحکام در تأیید سخن مشهور می‌نویسد: «دیه قتل شبه عمد در مدت دو سال اخذ می‌گردد؛ به خاطر وجود اجماع؛ و این که قتل شبه عمد میانه‌ی قتل خطائی و عمد است، و با وجود اجماع در مسأله، وجهی برای رجوع به اصل (برائت از وجوب اداء در کمتر از سه سال) وجود ندارد» (۱۴۱۳، ۸۳/۲۹).

صاحب فقه الصادق (ع) نیز پس از نقل اقوال گوناگون، اظهار در مسأله را قول مشهور می‌داند: «قول مشهور بین فقهای امامیه این است که دیه‌ی قتل شبه عمد در مدت دو سال اخذ می‌گردد، بلکه ظاهر مبسوط اجماع بر این امر است... و سخن بهتر در مسأله این است که برای اثبات قول مشهور، به اجماع ادعا شده استناد شود، و اجماع مذکور مؤیدی بر سخن ایشان قرار داده شود؛ آن‌چنان که صاحب ریاض این کار را انجام داده است... و قول اظهار در مسأله همان نظر مشهور می‌باشد» (روحانی، ۱۴۱۲، ۱۸۸/۲۶).

مرعشی نجفی در منهج المومنین (۲۸۳/۲)، فغانی در الدر المنضود (۳۲۱)، کاشف الغطاء در سفینه النجاه (۸۸/۳)، اراکی در المسائل الواضحه (۱۸۲/۲)، موسوی گلپایگانی در مجمع المسائل (۲۶۳/۳) و حسینی شیرازی در المسائل الإسلامیه (۶۳۳) همگی از جمله فقهای هستند که موافق نظر مشهور فتوا داده‌اند.

۲-۵- تفصیل بین جانی موسر و معسر

صاحب این نظریه ابن حمزه طوسی است. وی معتقد است: «اگر جانی متمکن و دارای مال باشد، باید دیه را در ظرف یک سال بپردازد و در صورت عدم تمکن، می‌تواند آن را در ظرف دو سال پرداخت نماید. وی در این فتوا متفرد بوده و در میان فقهای امامیه موافقی با وی همراه نشده است. وی در الوسيله می‌نگارد: «دیه‌ی قتل شبه عمد در صورت تمکن جانی در یک سال، و در غیر این صورت در ظرف دو سال اخذ می‌شود» (ص ۴۴۱). ایشان نیز دلیلی بر مدعای خود اقامه ننموده است.

۲-۶- لزوم پرداخت دیه در سه سال

مرحوم آیت‌الله خویی، اولین فقیهی است که مخالف قول مشهور، قائل به وجوب پرداخت دیه در ظرف سه سال گردیده است. وی در این زمینه چنین می‌نگارد: «نظر مشهور فقهاء این است که دیه‌ی قتل شبه عمد در طول دو سال پرداخت می‌شود؛ ولی ظاهر این است که در طول سه سال پرداخت می‌شود» (خوئی، ۱۴۲۲، ۲۴۰/۲).

مرحوم مدنی کاشانی، دیگر فقیه معاصری است که در کتاب الدیات خود، هرچند مقتضای احتیاط را عدم تأخیر پرداخت از دو سال می‌داند؛ اما در قول مشهور خدشه وارد کرده و می‌نویسد: «قول مشهور این است که دیه‌ی شبه عمد در طول دو سال پرداخت می‌شود؛ بلکه ظاهر مبسوط اجماع بر این امر است. اشکال: اگر ظاهر کتاب مبسوط شیخ طوسی چنین است پس چرا شیخ طوسی جزو متوقفین در مسأله معرفی شده است؟»

پاسخ: عبارات شیخ راجع به مسأله مذکور، در کتب مختلف وی مضطرب بوده و رأی واحدی از ایشان مشاهده نمی‌شود. فی المثل عبارت شیخ در نهاییه مبین نوعی تردید است؛ همانگونه که علامه در مختلف پس از بیان قول ایشان در نهاییه چنین می‌نگارد: «قال الشيخ فی النهایه: ... قال بعض أصحابنا: إنَّها (دیه شبه عمد) تستأدی فی سنتین و هو یشعر بتردده فی ذلک» (۲۹۳/۹-۲۹۲). مرحوم مجلسی نیز در ملاذ الاخیار به نکته مزبور التفات داشته است: «ذکر المفید رحمه الله أنها تستأدی فی سنتین و تبعه الجماعه، و لم نقف له علی مستند، و لذا توقف فیہ جماعه من المتأخرین، و یظهر من الشیخ فی النهایه التوقف أیضاً» (۱۴۰۶، ۱۶/۳۲۹-۳۲۸). در صورت تمامیت اجماع، آن را می‌پذیریم؛ ولی در غیر این صورت این قول خالی از اشکال نیست؛ زیرا دلیلی بر آن وجود ندارد. پس قول مختار جواز پرداخت دیه تا سه سال است؛ اگرچه احوط آن است که جانی پرداخت آن را از دو سال به تأخیر نیندازد» (تبریزی، ۱۴۲۸، ۲۰).

مرحوم شیخ جواد تبریزی نیز در تنقیح مبانی الاحکام، قول مشهور را رد می‌کند: «مفید(ره) گفته است که دیه‌ی قتل شبه عمد در ظرف دو سال اخذ می‌شود، این قول به مشهور منسوب است و لیکن مقتضی آن چه که در صحیح‌های ابو ولاد از امام صادق(ع) نقل شده است که حضرت علی(ع) فرمودند: «دیه‌ی قتل خطا در طول سه سال و دیه قتل عمد در طول یک سال پرداخت می‌شود، دلالت دارد بر این- که در بحث مذکور نیز دیه در ظرف سه سال پرداخت می‌گردد» (تبریزی، ۱۴۲۸، ۲۶).

صاحب تفصیل الشریعه عبارت امام را در تحریر که فرموده است «الأحوط للجانی أن لا یؤخَّر هذه الدیه عن سنتین» چنین شرح می‌دهد: «اقوال فقهاء در مسأله‌ی مذکور بسیار مختلف و متعدد است. قول مشهور را بعد از عدم تمامیت اجماع ادعایی، نمی‌پذیریم؛ زیرا هیچ دلیل دیگری برای این قول وجود ندارد، همچنین برای تفصیل ابن حمزه نیز دلیلی در منابع وجود ندارد؛ بنابراین با رد این دو قول، تنها قول سوم باقی می‌ماند که مقتضی دلیل، یعنی صحیح‌های ابو ولاد است؛ زیرا عدم تعرض روایت به دیه‌ی شبه عمد، دلیل و قرینه‌ای است مبنی بر این که منظور روایت از دیه‌ی خطایی که حکم به پرداخت آن در ظرف سه

سال نموده است، تنها خطای محض نمی‌باشد؛ بلکه منظور اعم از آن و قتل شبه عمد است (و لفظ خطا هر دو صورت را در بر می‌گیرد)؛ زیرا در غیر این صورت لازم می‌آید که روایت حکم قتل شبه عمد را مسکوت گذاشته باشد» (لنکرانی، ۱۴۱۸، ۳۱).

فاضل ایروانی نیز از فقهای متأخری است که با عدم پذیرش قول مشهور، قائل به وجوب پرداخت دیه در ظرف سه سال گردیده است: «دیهی قتل شبه عمد در سه سال از جانی گرفته می‌شود، و مستند این قول صحیح‌هی ابو ولاد است» (فاضل ایروانی، ۱۴۲۷، ۳/۳۴۰).

آیت الله محمد سعید حکیم در بحث مذکور نظر خود را این‌گونه اظهار می‌دارد: «دیهی قتل خطا در مدت سه سال از زمان وقوع قتل پرداخت می‌گردد، بدون این‌که در این زمینه بین شبه عمد و خطای محض تفاوتی وجود داشته باشد» (حکیم، ۱۴۲۷، ۳/۲۹۴).

حضرات آیات وحید خراسانی (منهاج الصالحین، ۳/۵۴۸)، فیاض کابلی (رساله توضیح المسائل، ۳/۳۸۵) و مرحوم بهجت از دیگر موافقان این قولند (جامع المسائل، ۵/۴۷۸).

۳- نقد و ارزیابی نظرات

از آن‌جا که شیخ صدوق در کتب خویش متعرض مسأله نشده است، نمی‌توان در مورد فتوای ایشان با صراحت و قاطعیت اظهار نظر کرد؛ کما این‌که متوقفین در مسأله نیز که تنها به بیان دیدگاه دیگر فقهاء اکتفا نموده‌اند و رأی مشخصی در این باره ابراز ننموده‌اند، نمی‌توان عیار آراءشان را در سنجهی اجتهاد قرار داد. بنابراین بررسی و ارزیابی اقوال اختصاص به چهار نظریه دیگر خواهد داشت.

۳-۱- لزوم پرداخت دیه در ظرف یک سال

همان‌گونه که پیشتر گذشت، شیخ در کتاب خلاف، مهلت پرداخت دیه‌ی قتل شبه عمد را یک سال می‌داند. مستند ایشان اجماع و روایات است. به رغم تتبع بسیار، نگارنده به روایات ادعایی شیخ دست نیافته است، و اصولاً هیچ روایتی که مفاد آن لزوم پرداخت دیه‌ی قتل شبه عمد در یک سال باشد وجود ندارد. اجماع ادعایی ایشان نیز موافقی جز خود ایشان ندارد و حتی شیخ در کتب دیگر خود با آن مخالفت نموده است؛ لذا دیگر فقهای امامیه غالباً توجهی به این فتوای شیخ نکرده و آن را در عداد اقوال موجود در مسأله

به حساب نیاورده‌اند. در این میان تنها صاحب فقه الصادق(ع) بعد از اشاره به فتوای مزبور آن را فاقد اعتبار دانسته است(شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ۱۸۸/۲۶).

۴- نقد دیدگاه ابن حمزه

مرحوم ابن حمزه طوسی در فتوای خود در میان فقهای امامیه متفرد است. وی نیز دلیلی نیز برای مختارش اقامه نکرده است. در منابع فقهی نیز هیچ مستندی که درستی دیدگاه ابن حمزه را ایشعار نماید در دست نیست. قواعد اولیه باب نیز اقتضای چنین نظری را ندارد. چرا که فرد تنگ‌دست را چگونه می‌توان ملزم به پرداخت دیه در سال دوم نمود؛ کما اینکه اگر صرف توانگری موجب آن است که در سال اول دیه از قاتل اخذ شود، نباید میان قتل شبه عمد و خطایی فرق باشد. از این رو نمی‌توان دیدگاه وی را موجّه و قابل دفاع دانست؛ لذا صاحب جواهر با رد سخن وی چنین می‌نگارد: «برای تفصیل ذکر شده از ابن حمزه موافقی در بین فقهای امامیه وجود ندارد و دلیلی نیز بر آن اقامه نگردیده است»(نجفی، ۱۴۰۴، ۲۲/۴۳). عین عبارت مرحوم نجفی در کلمات معاصرین آمده است(خویی، ۱۴۲۲، ۲۴۱/۲؛ تبریزی، ۱۴۲۸، ۲۶؛ لنکرانی، ۱۴۱۸، ۳۱).

۴-۱- نقد دیدگاه مشهور

مشهور برای اثبات مدعای خویش به دو دلیل استناد نموده‌اند. ۱- اجماع ۲- وجود مقتضی تفاوت

۵- بررسی دلیل اجماع

شیخ طوسی در مبسوط اولین فقیهی است که با عبارت «عندنا»، اجماع را مستند فتوای خویش دانسته است(شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ۱۱۵/۷). البته کلام ابن زهره در غنیه النزوع که بعد از نقل دیدگاه مشهور آن را با عبارت «بلاخلاف من أصحابنا» عنوان نموده، صراحت بیشتری در اجماع دارد. صاحب فقه الصادق(ع) نیز بعد از ردّ ادله قول مشهور، تنها دلیل موجّه نظر مذکور را، وجود اجماع دانسته است(روحانی، ۱۴۱۲، ۱۸۸/۲۶).

اما به نظر می‌رسد ضعف استدلال به اجماع در مسأله‌ی مذکور، نیازی به استدلال ندارد؛ چرا که این اجماع هم از جهت صغروی و هم از جهت کبروی محل مناقشه‌ی جدی است. از جهت صغری باید گفت:

اصولاً در کمتر مسأله‌ای از مسائل فقهی است که اختلاف نظرات میان فقها این گونه چشمگیر باشد. وجود شش موضع متفاوت در مسأله آن هم میان متقدمین فقهای امامیه هرگونه احتمال وجود اجماع را منتفی می‌سازد. از عدم تعرض فقیهانی مانند صدوق گرفته تا سکوت شمار قابل توجهی از قداماء و متاخرین تا اقوال خلاف مشهور ابن حمزه و شیخ در خلاف، همه اینها بنیان تمسک به اجماع را سست و بی اساس می‌سازد. به خاطر همین نکته است که بسیاری از فقهاء استدلال به اجماع را در مسأله ناتمام می‌دانند» و الإجماع المدعی من الشیخ فی المبسوط غیر تام» (خویی، ۱۴۲۲، ۲۴۱/۲؛ حکیم، ۱۴۲۷، ۱۵۲؛ لنگرانی، ۱۴۱۸، ۳۱).

اشکال دیگر مدرکی بودن این اجماع است؛ چرا که با فرض تمام بودن صغری، از آنجا که این اجماع در کنار دلیل اعتباری است که برخی از قداماء و نیز متاخرین فقهاء متعرض آن شده‌اند، موجب آن است که این اجماع مستند به فهم مجمعین از مدرک مذکور باشد و در نتیجه اجماع مدرکی و حتی محتمل المدرکی فاقد اعتبار و حجیت لازم برای تمسک باشد.

بدین خاطر است که برخی از فقهاء بعد از پذیرش اشکال فوق کوشیده اند اجماع مذکور را نه دلیلی مستقل بلکه مؤیدی بر شهرت محققه در مسأله بدانند (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۲/۴۳)؛ لکن ایراد دلیل شهرت علاوه بر دو ایراد مذکور ذیل دلیل اجماع، وجود مبانی متفاوت در آن است؛ چرا که حجیت شهرت فتوائیه نزد مشهور اصولیان ثابت و مسلم نیست.

۶- وجود مقتضی تفاوت

تقریب استدلال: برخی معتقدند همان گونه که بین قتل خطایی و عمد، در مدت زمان پرداخت دیه تفاوت وجود دارد، لازم است که بین این دو قتل و قتل شبه عمد نیز در مدت مذکور تفاوت وجود داشته باشد؛ زیرا جنایات در قتل شبه عمد نسبت به عمد خفیف تر است؛ بنابراین مدت پرداخت دیه‌ی آن نیز باید با تخفیف بیشتری همراه باشد، و از قتل خطا شدیدتر است؛ لذا باید مدت پرداخت با تغلیظ بیشتری همراه باشد (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۲۹۳/۹؛ حلی، ۱۴۰۷، ۵، ۲۴۸؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ۳۵۵/۱۶).

در روایات نیز تفاوت میان انواع قتل در شتری که برای دیه تعیین شده است لحاظ گردیده است. در قتل عمد همه صد شتر را باید از مسان ابل (به نحو تعیین) بپردازد؛ ولی در شبه عمد، روایات چهار دسته

شتر را مشخص نموده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۸۰/۷؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۹۹/۲۹). این نکته نیز حاکی از وجود تفاوت به دلیل وجود مقتضی تفاوت میات انواع قتل می باشد.

قدر متیقن در مسأله: آن چه مسلم است این است که قتل شبه عمد نسبت به عمد خفیف‌تر است؛ بنابراین مهلت پرداخت دیه در آن نمی‌تواند کمتر از مدت پرداخت آن در قتل عمد (یعنی یک سال) باشد؛ همچنان که قتل مزبور بواسطه شدت نسبت به خطای محض، مهلت پرداخت دیه‌اش نمی‌باید بیش از مدت پرداخت آن در قتل خطایی (یعنی سه سال) باشد. این همان نکته‌ای است که بزرگانی همچون صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱/۴۳) بدان اذعان نموده‌اند.^۱ صاحب مفتاح الکرامه در این باره نوشته است: «دایر بودن امر بین یک تا سه سال محل وفاق اصحاب است؛ اگرچه بدان تصریح نکرده باشند؛ زیرا اولویت قطعی در مسأله حاکم است» (عاملی، ۳۶۱/۱۰).

اما مسأله‌ای که نباید از نظر دور بماند این است که وجود قدر متیقن در مسأله یک چیز است، و متعین شدن مهلت (دو سال) برای پرداخت دیه شبه عمد چیزی دیگر؛ زیرا همان‌گونه که بیان گردید قدر متیقن در مسأله دایر بودن امر بین یک تا سه سال است؛ لیکن هیچ دلیلی نسبت به وجوب پرداخت دیه در ظرف دو سال در دست نیست. بلکه همان‌گونه که خواهد آمد، بر عدم اعتبار این احتمال و تعیین سه سال دلیل وجود دارد، و وجوهی نیز که در توجیه نظر مشهور ذکر گردید، همان‌گونه که حتی برخی از موافقان قول مشهور نیز بدین امر اذعان نموده‌اند (روحانی، فقه الصادق، ۱۸۸/۲۶؛ خوانساری، جامع المدارک، ۱۷۲/۶؛ فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعه، ۳۱)؛ تماماً وجوهی اعتباری بوده، صلاحیت اثبات حکم شرعی را ندارند. شاید سر آن که صاحب جواهر از راهی غیر از وجوه اعتباری همچون شهرت و اجماع در صدد اثبات قول مشهور برآمده عدم صلاحیت وجوه مزبور نزد ایشان بوده است، و کانه دلیل فقهاء بر وجوب پرداخت در ظرف دو سال، چیزی مانند رعایت عدالت و انصاف عقلی بوده باشد؛ یعنی گویا در ذهن ایشان امر دایر شده که قتل شبه عمد مثل عمد است یا خطای محض؟ و از این رو دو سال را به عنوان حد وسط گرفته‌اند، تا جمع بین طرفین شده باشد، و بدین‌گونه رعایت عدل و انصاف نموده باشند؛ لیکن همان‌گونه که مشخص است این‌گونه وجوه اعتباری توانایی اثبات حکم شرعی را نخواهند داشت.

۱- و اما احتمال آنها أقل من سنه فمقطوع بعدمه ولو بملاحظه أغلظیه العمد منه كما أنها لاتزيد علی الثلاثه قطعاً لمعلومیه سهوله الخطاء بالنسبه إلیه فهی ما بین السنه إلی الثلاث

۷- تبیین نظریه‌ی مختار

به نظر می‌رسد با ردّ دیگر اقوال موجود در مسأله تنها نظریه‌ای که به نحو موجّه قابل دفاع می‌باشد، نظریه‌ای است که مهلت پرداخت دیه در قتل شبه عمد را سه سال می‌داند. مستند این فتوا اطلاق روایت ابو ولّاد است. همانگونه که مقتضای اصل عملی در مقام، براءت ذمه قاتل از لزوم پرداخت دیه در دو سال است.

۸- اطلاق روایت ابو ولّاد

امام صادق (ع) به نقل از امیر المومنین (ع) روایت فرموده است: «تُسْتَأْذَى دِيَهُ الْخَطَا فِي ثَلَاثِ سِنِينَ - وَ تُسْتَأْذَى دِيَهُ الْعَمْدِ فِي سَنَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۸۳/۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰۵/۲۹).

سند روایت صحیح بوده و تمام راویان آن از ثقات اصحاب می‌باشند؛ لذا محققین از فقهاء روایت مذکور را صحیح دانسته‌اند (اردبیلی، ۱۴۰۳، ۲۹۶/۱۴؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۳، ۳۵۱/۱۶؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۳۱۳/۱۱؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۴/۴۳؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ۱۷۰/۶؛ خویی، ۱۴۲۲، ۲۳۴/۲).

مرحوم مجلسی نیز در دو کتب روایی خویش که متضمن بررسی سندی روایات نیز می‌باشند، ذیل خبر فوق از آن تعبیر به صحیح نموده است (مجلسی دوم، ۱۴۰۴، ۳۱/۲۴؛ همان، ۱۴۰۶، ۳۲۶/۱۰).

در دلالت خبر باید گفت: از آنجا که به اجماع فقهاء تنها دیه قتل عمد است که در طول یک سال از جانی اخذ می‌گردد، بنابراین به قرینه مقابله، لفظ «خطا» به کار رفته در روایت ابو ولّاد، به اطلاق خود، شامل خطای محض اصطلاحی و نیز خطای شبیه عمد می‌شود؛ به عبارت دیگر در لسان روایاتی که متعرض مسأله قتل و انواع آن شده‌اند و بر خلاف تقسیمات ثلاثی بعدی آن، در استعمالات شرعی برای قتل تقسیمی ثنایی معمول بوده و در متون روایات از قتل شبه عمد به عنوان خطا اطلاق گردیده است.

به رغم آنکه مرحوم فاضل احتیاط را در پرداخت دو ساله دیه می‌داند، اما در تأیید استظهار ما از روایت ابو ولّاد می‌نویسد: «عدم تعرض روایت ابو ولّاد به دیه‌ی قتل شبه عمد، دلیل و قرینه‌ای است مبنی بر این که منظور روایت از دیه‌ی خطایی، که حکم به پرداخت آن در ظرف سه سال نموده است، تنها خطای محض نمی‌باشد؛ بلکه منظور اعم از آن و قتل شبه عمد است، و لفظ خطا هر دو صورت را شامل می‌شود؛ زیرا در غیر این صورت لازم می‌آید که روایت حکم قتل شبه عمد را مسکوت گذاشته باشد (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸، ۳۱).

مؤید بر درستی این دیدگاه آنکه در برخی روایات از مصادیق قطعی قتل شبه عمد، امام(ع) تعبیر به خطا نموده است؛ همچنانکه آیه‌ی ۹۲ سوره‌ی نساء نیز مؤیدی بر مختار نگارنده می‌باشد.

۱- ابوالعباس از امام صادق(ع) نقل کرده است که: «به امام(ع) عرض نمودم: فردی را با چیزی که مشابه آن موجب قتل نیست، مورد هدف قرار می‌دهم، حضرت فرمودند: «هذا خطأ»: این نوع قتل خطاست. راوی می‌گوید: پس از آن حضرت سنگ‌ریزه‌ای برداشت و آن را پرت کرد، گفتم: آن را به سمت گوسفندی پرت می‌کنم، ولی به مردی اصابت می‌کند، حضرت فرمود: این همان قتل خطایی است که شکّی در آن نیست و عمد نیز همان است که با آلتی که مشابه آن موجب قتل است، مورد ضرب قرار دهد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۸۰/۷؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۷/۲۹).

روایت مذکور از لحاظ سند معتبر بوده و بسیاری از فقهاء از آن تعبیر به صحیحه نموده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۶۸/۱۵؛ خویی، ۱۴۲۲، ۵/۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸، ۲۲؛ روحانی، ۱۴۱۲، ۱۲/۲۶)؛ برخی دیگر نیز آن را مؤثقه دانسته‌اند (تنقیح مبانی الأحکام/۱۲). مرحوم مجلسی نیز در ملاذ الأخیار (۳۱۸/۱۶) و مرآه العقول (۲۳/۲۴)؛ روایت مذکور را مؤثق، و در روضه المتقین (۳۱۴/۱۰) از آن تعبیر به مؤثق کالصحیح نموده است.

۲- فضل بن عبدالملک روایت کرده است که: «از امام صادق(ع) درباره قتل خطایی که در آن دیه و کفّاره ثابت است پرسیدم، که آیا آن همان است که شخص، به طور عمد، فردی را مورد ضرب قرار دهد، ولی قصد کشتن او را نداشته باشد؟ حضرت فرمود: آری. گفتم: اگر چیزی پرتاب کند ولی به دیگری اصابت کند؟ حضرت فرمود: این همان خطایی است که در آن شک نیست، و بر او کفّاره و دیه است» (صدوق، من ۱۴۱۳، ۱۰۵/۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۲۹۸/۱۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۸/۲۹).

مرحوم مجلسی در روضه المتقین (۳۱۵/۱۰) روایت مذکور را صحیح دانسته، و فقهای نیز که در کتب خویش متعرض روایت گردیده‌اند از آن تعبیر به صحیحه نموده‌اند (خوانساری، ۱۴۰۵، ۱۸۳/۷؛ تبریزی، ۷/۱۴۲۸).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در روایات مذکور به صراحت لفظ خطاء شامل خطای محض و خطای شبهه به عمد دانسته شده؛ خاصه در روایت اول که امام(ع) این دو نوع قتل را در مقابل قتل عمد قرار داده، و از قتل شبهه عمد با عنوان: «هذا خطأ» یاد نموده است.

۳- مؤید دیگر اطلاق آیه ۹۲ سوره مبارکه نساء است. در این آیه چنین آمده است «وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً... دِيَهُ مُسَلَّمَةً إِلَىٰ أَهْلِهِ». به اجماع فقهاء در هر دو نوع قتل خطایی و شبیه عمد، دیه بالاصاله ثابت بوده و لفظ خطاء به کار رفته در آیه به اطلاق خود، هر دو نوع قتل را در بر می‌گیرد.

در تایید این نکته فاضل ایروانی چنین می‌نگارد: «موارد ثبوت دیه در قتل خطای محض و شبهه عمد می‌باشد، و ثابت شدن دیه، و نه قصاص در آنها، امری اجماعی بین فقهای امامیه است، و سخن خداوند: «هرکس مؤمنی را از روی خطا بکشد...» بر این امر دلالت دارد؛ زیرا آیه مذکور، به اطلاق خود، هر دو نوع قتل خطا: (خطای محض و شبیه به عمد) را در بر می‌گیرد» (همان، ۳/۳۳۶).

۹- استناد به اصل برائت

دیگر دلیلی که می‌توان برای مهلت سه ساله‌ی جانی برای پرداخت دیه در مسأله‌ی مذکور اقامه نمود، اصل برائت می‌باشد؛ چرا که با شک در لزوم پرداخت دیه (به عنوان واجب مالی) در کمتر از سه سال، اصل برائت ذمه‌ی قاتل از چنین وجوبی است.

مرحوم خوبی تأکید می‌کند با چشم‌پوشی از اطلاق خبر ابو ولاد، اصل عملی جاری در مسأله، اصل برائت از وجوب پرداخت دیه در مدت زمان کمتر از سه سال است» (همان، ۲/۲۴۱). نکته‌ی جالب آن که مرحوم فاضل لنکرانی نیز به رغم آنکه احتیاط (اصل عملی) را در تأدیه‌ی دیه در مدت دو سال می‌بیند، لیکن مقتضای اصل عملی را برائت می‌داند (همان، ۳۱).

۱۰- پیشنهاد اصلاح قانون

از جهت حقوقی، قانون‌گذار در قانون سابق مجازات اسلامی^۱ ذیل ماده‌ی ۳۰۲ چنین مقرر نموده بود: «مهلت پرداخت دیه در موارد مختلف از زمان وقوع قتل به ترتیب زیر است: الف) دیه‌ی قتل عمد باید در ظرف یکسال پرداخت شود. ب) دیه‌ی قتل شبیهه عمد در ظرف دو سال پرداخت می‌شود. ج) دیه‌ی قتل خطاء محض در ظرف سه سال پرداخت می‌شود». در قانون جدید مجازات اسلامی^۲ نیز قانون‌گذار در ماده‌ی ۴۸۸، عین ماده را تکرار نموده است. گویا مهلت‌های تعیین شده را بی‌اشکال دانسته و ضرورتی در تغییر

۱- مصوب ۱۳۷۰

۲- مصوب ۱۳۹۲

آن‌ها ندیده است.

اما همانطور که در این مقاله تبیین شد قول مشهور فاقد وجهت فقهی بوده و مستندات شرعی بر آن دلالت ندارند. در نقطه مقابل مختار نگارنده اگرچه متصف به شذوذ و ندرت است؛ لکن وصف شاذ لزوماً به معنای ضعف یک نظریه نبوده و در مسأله‌ی حاضر این رأی موافق با ادله می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با توجه به دستاوردهای این پژوهش زمینه اصلاح ماده فوق را فراهم نماید. آنچه ذکر آن در فراز پایانی مقاله خالی از لطف نیست آنکه بر خلاف قول مشهور، مختار نگارنده همسو با ذائقه‌ی دنیای معاصر مبنی بر تفسیر و تأویل نصوص قانونی به نفع متهم- به خصوص مجرم غیرعامد که فرض مقاله از این قبیل است- می‌باشد.

۱۱- نتیجه‌گیری

یکی از انواع قتل که به علت فقدان شرایط ثبوت قصاص مشمول حکم دیه می‌باشد قتل شبه عمد است. در اینکه در صورت وقوع چنین قتلی مهلت پرداخت دیه آن به چه میزان خواهد بود رویکردهای مختلفی از فقهای امامیه پدیدار گشته است که مجموعاً در شش رویکرد قابل بازشناسی است. بسیاری از این رویکردها به علت عدم ارائه مستندات توسط قائلین خود قابل دفاع نیستند. در این میان مشهور فقهاء به استناد «اجماع» و «وجود مقتضی تفاوت» مهلت پرداخت دیه را دو سال می‌دانند. اما به نظر نویسنده استدلال به اجماع از جهت صغرا و نیز کبرای قیاس تمام نیست؛ کما اینکه وجود مقتضی تفاوت موجب تعیین مهلت دو ساله برای پرداخت نخواهد شد. به نظر نگارنده مختار وی یعنی لزوم پرداخت دیه در طول سه سال تنها نظر موجه در مقام می‌باشد. وی اطلاق ادله و نیز مقتضای اصل عملی را مستند مدعای خود می‌داند؛ چرا که با شک در وجوب پرداخت دیه در کمتر از سه سال، اصل بر براءة ذمه از چنین وجوبی است. در پایان با توجه به دستاوردهای این پژوهش، پیشنهاد اصلاح ماده مورد بحث حسن ختام مقاله پیش رو می‌باشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، با ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی

۲. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، ۱۴۰۸، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم.
۳. ابن براج، قاضی عبدالعزیز، ۱۴۰۶، المهذب، ۲جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول.
۴. ابن حمزه، محمد بن علی، ۱۴۰۸، الوسيله إلى نیل الفضيله، ۱جلد، کتابخانه مرعشی، قم، اول.
۵. ابن زهره حلبی، حمزه بن علی، ۱۴۱۷، غنیه النزوع، ۱جلد، مؤسسه امام صادق(ع)، قم، اول.
۶. اراکی، محمدعلی، ۱۴۱۴، المسائل الواضحه، ۲جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول.
۷. اردبیلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۳، مجمع الفائده و البرهان، ۱۴جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول.
۸. بهجت فومنی، محمدتقی، ۱۴۲۶، جامع المسائل، ۵جلد، دفتر معظّم له، قم، دوم.
۹. تبریزی، جواد بن علی، ۱۴۲۸، تنقیح مبانی الأحکام- کتاب الدیات، ۱جلد، دارالصدیقه الشهبیده، قم، اول.
۱۰. حائری طباطبایی، سیدعلی، ۱۴۱۸، ریاض المسائل، ۲جلد، مؤسسه آل البيت، قم، اول.
۱۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، ۳۰جلد، مؤسسه آل البيت، قم، اول.
۱۲. حسینی عاملی، سیدجواد، ۱۴۱۸، مفتاح الکرامه، ۱۱جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت، اول.
۱۳. حسینی شیرازی، سیدمحمد، ۱۴۲۱، الفقه، ۱جلد، مؤسسه المجتبی، بیروت، اول.
۱۴. حلبی، ابوالصلاح، تقی الدین، ۱۴۰۳، الکافی فی الفقه، ۱جلد، کتابخانه امام علی(ع)، اصفهان، اول.
۱۵. حکیم، سیدمحمد سعید طباطبایی، ۱۴۲۷، مسائل معاصره فی فقه القضاء، ۱جلد، دارالهلال، نجف، دوم.
۱۶. جمال الدین حلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۷، المهذب البارِع، ۵جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول.
۱۷. خمینی، سیدروح الله، ۱۴۲۱، تحریر الوسيله، ۲جلد، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم، اول.
۱۸. خویی، سیدابوالقاسم، ۱۴۲۲، مبانی تکمله المنهاج، ۲جلد، مؤسسه إحياء آثار الخوئی(ره)، قم، اول.
۱۹. خوانساری، سیداحمد، ۱۴۰۵، جامع المدارک فی شرح مختصرالنافع، ۷جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم، دوم.
۲۰. روحانی، سید صادق، ۱۴۱۲، فقه الصادق(ع)، ۲۶جلد، مدرسه امام صادق(ع)، اول.
۲۱. سبزواری، سید عبدالاعلی، ۱۴۱۳، مهذب الأحکام، ۳۰جلد، مؤسسه المنار، قم، چهارم.
۲۲. سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز، ۱۴۰۴، المراسم العلویه و الأحکام النبویه، ۱جلد، منشورات الحرمین، قم، اول.
۲۳. شهید اول، محمد بن مکی، ۱۴۱۰، اللغه دمشقیه، ۱جلد، دار التراث، بیروت، اول.
۲۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۰، الروضه البهیة(المحشّی- کالانتز)، ۱۰جلد، کتابفروشی داوری، قم، اول.

۲۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۳، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ۱۵ جلد، مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم، اول.

۲۶. صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۳، من لایحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم.

۲۷. صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۵، المقنع، ۱ جلد، مؤسسه امام هادی(ع)، قم، اول.

۲۸. صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۸، الهدایه فی الأصول و الفروع، ۱ جلد، مؤسسه امام هادی(ع)، قم، اول.

۲۹. صیمری، مفلح بن حسن، ۱۴۲۰، غایه المرام فی شرح شرائع الإسلام، ۴ جلد، دارالهادی، بیروت، اول.

۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۰، المؤلف من المختلف، ۲ جلد، مجمع البحوث الإسلامیه، مشهد، اول.

۳۱. طوسی، ابوجعفر، ۱۴۰۰، محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه، ۱ جلد، دارالکتب العربی، بیروت، دوم.

۳۲. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، ۱۳۸۷، المبسوط فی فقه الإمامیه، ۸ جلد، المكتبه المرتضویه، تهران، سوم،

۱۳۸۷ ق

۳۳. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، ۱۳۸۷، الخلاف، ۶ جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول.

۳۴. علامه حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، ۹ جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم.

۳۵. علامه حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳، قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول.

۳۶. علامه حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۲۱، تلخیص المرام فی معرفه الأحكام، ۱ جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول.

۳۷. علامه حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۰، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول.

۳۸. فاضل لنکرانی، محمد موحدی، ۱۴۱۸، تفصیل الشریعه-الذیات، ۱ جلد، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، قم، اول.

۳۹. فاضل ایروانی، باقر، ۱۴۲۷، دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم.

۴۰. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، ۱۴۰۴، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ۴ جلد، کتابخانه مرعشی، قم، اول.

۴۱. فاضل هندی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، ۱۱ جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول.

۴۲. فخر المحققین، محمد بن حسن، ۱۳۸۷، إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم، اول.

۴۳. فقعی، علی بن علی بن محمد، ۱۴۱۸، الدر المنضود، ۱ جلد، مکتبه إمام العصر(عج)، قم، اول.
۴۴. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی، بی تا، مفاتیح الشرائع، ۳ جلد، کتابخانه مرعشی، قم، اول.
۴۵. فیاض کابلی، محمد اسحاق، ۱۴۲۶، رساله توضیح المسائل، ۱ جلد، انتشارات مجلسی، قم، اول.
۴۶. کاشانی، آقارضا مدنی، ۱۴۰۸، کتاب الديات، ۱ جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول.
۴۷. کاشف الغطاء، احمد بن علی، ۱۴۲۳، سفینه النجاه و مشکاه الهدی، ۴ جلد، مؤسسه کاشف الغطاء، نجف، اول.
۴۸. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی، ۸ جلد، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چهارم.
۴۹. گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، ۱۴۰۹، مجمع المسائل، ۵ جلد، دارالقرآن الکریم، قم، دوم.
۵۰. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، ۱۴۰۶، منهاج المؤمنین، ۲ جلد، کتابخانه مرعشی، قم، اول.
۵۱. مرعشی شوشتری، سید محمد حسن، ۱۴۲۷، دیدگاه‌های نو در حقوق، ۲ جلد، نشر میزان، تهران، دوم.
۵۲. مجلسی دوم، محمد باقر، ۱۴۰۴، مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ جلد، دارالکتب الإسلامیه، تهران، دوم.
۵۳. مجلسی دوم، محمد باقر، ۱۴۰۶، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، ۱۶ جلد، کتابخانه مرعشی، قم، اول.
۵۴. مجلسی دوم، محمد باقر، ۱۴۰۶، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ۱۳ جلد، مؤسسه کوشانبور، قم، دوم.
۵۵. محقق حلّی، جعفر بن حسن، ۱۴۱۸، المختصر النافع فی فقه الإمامیه، ۲ جلد، مؤسسه المطبوعات الدینیّه، قم، ششم.
۵۶. محقق حلّی، جعفر بن حسن، ۱۴۰۸، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم، دوم.
۵۷. محقق حلّی، جعفر بن حسن، ۱۴۱۲، نکت النهایه، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول.
۵۸. مشکینی، میرزا علی، ۱۴۱۸، الفقه المأثور، ۱ جلد، نشر الهادی، قم، دوم.
۵۹. مفید بغدادی، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳، المقنعه، ۱ جلد، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، اول.
۶۰. منتظری، حسین علی، ۱۴۱۳، الأحکام الشرعیه علی مذهب أهل البيت(ع)، ۱ جلد، نشر تفکر، قم، اول.
۶۱. نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت، هفتم.
۶۲. وحید خراسانی، حسین، ۱۴۲۸، منهاج الصالحین، ۳ جلد، مدرسه امام باقر(ع)، قم، پنجم.

۶۳ هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۴۲۶، به همراه جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، جلد ۳، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، قم، اول.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی